بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir

متن حدیث گفتگوی امام سجاد علیه السلام با شبلی در اسرار و باطن مناسک حج

امام زین العابدین علیه السلام در بازگشت از سفر حج به شبلی فرمودند: حج به جا آورده ای شبلی؟ شبلی عرض کرد، بله یابن رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم). امام علیه السلام فرمودند: آیا در میقات فرود آمدی، جامه های دوخته از تن کنده ای و غسل نمودی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام فرمودند: آیا در آن موقع نیت آن داشتی که لباس گناه از تن خود خلع کرده و جامه طاعت می پوشی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا به هنگام برهنه شدن از لباس دوخته ات توجه به این معنی داشتی که از ریا و نفاق و ورود در کارهای شبهه ناک دور شده و بر کنار می گردی؟شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: بنابراین نه در میقات فرود آمده ای و نه از لباس دوخته مجرد گشته ای و نه غسل نموده ای!

سپس امام علیه السلام فرمودند: آیا خود را از کثافات بدن تنظیف نمودی و موهای زائد را از بدن زدودی؟ آنگاه لباس احرام پوشیده و پیمان حج بستی؟ شبلی عرض کرد: آری! امام فرمودند: آیا همزمان با تنظیف بدن این چنین نیت کردی که با داروی توبه خالص کثافات گناه را از قلب و جانت بزدائی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا موقع محرم شدن متوجه این معنی بودی که تمام آنچه را که خداوند حرام کرده بر خود تحریم نمایی و دیگر هرگز پیرامون آن نگردی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا به هنگام عقد الحج و بستن پیمان حج بر این نیت بودی که هرگونه عهد و قرار داد با غیرخدا را (که برخلاف رضای خداست) منحل کرده و زیر پا نهادی و تنها با خدا عقد عبودیت و بندگی بستی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: پس با نداشتن چنین قصدی در حقیقت نه تنظیف نموده ای و نه مُحرم شده و نه پیمان حج بسته ای!

آنگاه امام علیه السلام فرمودند: آیا وارد میقات شدی و دو رکعت نماز احرام خواندی و لبیک گفتی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام علیه السلام فرمودند: در موقع ورود به میقات آیا نیتت این بود که به قصد زیارت داخل میقات می شوی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا دو رکعت نماز که می خواندی در نیت داشتی که به سبب بهترین اعمال و بزرگترین حسنات بندگان خدا که نماز است به خدا نزدیک می شوی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا به هنگام گفتن لبیک این نیت در تو بود که براساس تعهد به طاعت در تمام موارد اطاعت و سکوت و خودداری از هرگونه معصیت ـ با خدا سخن بگویی و پیمان عبودیت همه جانبه با خداوند می بندی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه

السلام فرمودند: در این صورت نه داخل میقات شده ای و نه در حقیقت نماز خوانده ای و نه لبیک واقعی گفته ای!

سپس امام علیه السلام فرمودند: آیا به حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز خواندی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام(ع) فرمودند: آیا داخل شدنت به حرم به این نیت بود که هرگونه غیبت و نسبت ناروایی که در غیاب مسلمانان در باره آنان روا میداشتی بعد از این بر خود حرام نموده و با ورودت به حرم امن خداوند نیت کردی که تمام ملت اسلام را بعد از این از شر فکر و زبانت ایمن گردانی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا وقتی به مکه رسیدی در دل گذراندی که از این سفر جز خداوند مقصود و مطلوبی ندارم و چیزی جز رضایت حضرت حق تعالی را نمی خواهم؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: پس در واقع نه داخل حرم خداوند شده ای و نه کعبه را دیده ای و نه نماز خوانده ای!

سپس امام علیه السلام فرمودند: آیا طواف بیت کردی و مس ارکان نمودی و در انجام این اعمال از خود سعی واقعی نشان دادی؟ شبلی عرض کرد: آری! امام علیه السلام فرمودند: آیا هنگام سعی و کوشش در انجام این اعمال از صمیم دل، نشان دهنده این حقیقت بودی که از شر مکاید شیطان و وساوس نفس امارة بالسوء گریخته و خود را در پناه خداوند افکنده ای و این فرار از ماسوی و پناهندگی به خداوند را حضرت علام الغیوب از تو شناخته و باور کرده بود؟ یعنی آیا تنها صورت نبود و واقعیت داشت؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: پس طواف بیت نکرده ای و مس ارکان ننموده ای و سعی وافی از خود نشان نداده ای! سپس امام علیه السلام به شبلی فرمودند: آیا با حجرالاسود مصافحه نمودی و در مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی و دو رکعت نماز به جا آوردی؟ شبلی عرض کرد: بله! در این موقع امام علیه السلام ناله ای کردند و فریادی کشیدند و فرمودند: اه....اه....کسی که با حجرالاسود مصافحه کند در حقیقت با خدای تعالی مصافحه کرده است! پس بنگر و نیکو توجه کن تا اجر کاری را که حرمت ان در پیشگاه خداوند بس عظیم است را ضایع نسازی و همچون مجرمین تبهکار از در طغیان و عصیان در نیایی و با مخالفت فرمان خداوند و نا پرهیزی از حرام ارزش مصافحه با خداوند را از دست ندهی و پیمان عبودیت حضرتش را دائم نشکنی!

سپس امام علیه السلام فرمودند: آیا موقع وقوف در مقام ابراهیم علیه السلام این نیت در تو بود که این توقف در مقام ـ محل ایستادن ابراهیم خلیل! آن بنده موحد و با اخلاص خدا ـ نشان دهنده تصمیم قاطع بر قیام به طاعت و فرمانبرداری در پیشگاه اقدس حق و پرهیز از تمام صحنه های عصیان و گناه است؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمود: آیا هنگام ادای نماز در مقام این نیت را داشتی که با همین نمازت نماز حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای آورده ای و بینی شیطان را به خاک می مالی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام(ع) فرمودند: پس در واقع نه مصافحه با حجرالاسود نموده ای! و نه در مقام ابراهیم علیه السلام ایستاده ای و نه نماز در مقام بجا اورده ای!

در اینجا امام علیه السلام فرمودند: آیا بر سر چاه زمزم رفتی و از آب آن نوشیدی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام علیه السلام فرمودند: آیا از اشراف بر آن چاه و آشامیدن از آب آن ـ که بر اثر اخلاص و توکل

یک زن با ایمان در هزاران سال پیش از زمین جوشیده و تاکنون جاری است ـ این نیت و تصمیم در تو پیدا شد که باید اشراف بر طاعت حق و بندگی با اخلاص در صفحه قلبت تحقق یابد و از صحنه های گناه و معصیت چشم پوشیده و اعراض نمائی تا چشمه آب حیات از عمق وجودت بجوشد و شادابی همه جانبه ات ببخشد؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: پس در عالم معنا و حقیقت، مشرف بر چاه زمزم نشده ای و از آب آن ننوشیده ای! یعنی آثار روحی و طهارت قلبی و تشفی از امراض باطنی که باید از نوشیدن آن آب عایدت گردد نمی گردد!

پس از آن امام علیه السلام فرمودند: آیا سعی بین صفا و مروه را انجام دادی بین آن دو کوه راه رفتی و رفت و آمد نموده ای؟ شبلی عرض کرد: بله! امام علیه السلام فرمودند: آیا نیتت این بود که بین خوف و رجا! و بیم و امید نسبت به قبولی اعمال خود در پیشگاه خداوند قرار گرفته ای و نمی دانی که مقبول یا مردود درگاهش خواهی شد؟ شبلی عرض کرد خیر! امام علیه السلام فرمودند: پس سعی و راه رفتن و رفت و آمد نمودن تو بین صفا و مروه خالی از معنا و عاری از حقیقت بوده است و گوئی که آن را انجام نداده ای!

امام علیه السلام فرمودند: آیا از مکه به قصد منا بیرون رفتی؟ شبلی عرض کرد ، آری! امام علیه السلام فرمودند : آیا از رفتنت به منا در این نیت بودی که مردم را از شر دست و فکر و زبانت در امان قرار دهی وهیچکس را بعد از این با دست و زبانت نخواهی آزرد و درقلبت بد خواه کسی نخواهی بود؟ شبلی عرض کرد خیر! امام علیه السلام فرمودند: پس در واقع به منا نرفته ای و کار مؤثری انجام نداده ای!

سپس امام علیه السلام فرمودند: آیا وقوف در عرفات انجام دادی؟ بالای جبل الرحمه رفتی؟ وادی نمرة را شناختی و خداوند را خواندی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام علیه السلام فرمودند: آیا با وقوف در موقف عرفه حق معرفت و شناسائی خداوند را به دست آوردی و پی به معارف و علوم الهی ـ به قدر ظرفیت و استعداد خود ـ بردی ودانستی که با تمام وجودت در قبضه ی قدرت خداوند هستی و او از تمام کارهای نیک و خطایت مطلع است؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا بر بالای کوه رحمت (جبل الرحمة) که در آمدی به خاطرت گذراندی که خداوند بر هر مرد و زن با ایمانی رحمت می آورد و هر مرد و زن با ایمانی را یاری می نماید؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: نزد نمرة که ایستادی به این معنی پی بردی که تا خود تن به اوامر و نواهی خداوند ندهی و فرمانبردار نباشی امر به معروف و نهی از منکر کردن تو به دیگران دارای اثر و ثمری نخواهد بود؟شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: در آن موقع که نزد "علم" ایستادی متذکر این شدی که همین جا شاهد طاعات و عبادات تو می باشند و همراه فرشتگان نگهبان به امر پروردگار آسمان حافظ و نگهدار تو هستند؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: با این توصیف تو واقف در عرفات نبوده ای و بالای کوه رحمت نرفته ای، نه کوه نمرة را شناخته ای و نه خداوند را آنچنانکه باید خوانده ای!

سپس امام علیه السلام فرمودند: آیا از بین علمین عبور نمودی و دو رکعت نماز پیش از عبور از آن خواندی و بر زمین مزدلفه راه رفتی و در آنجا سنگریزه ها را برچیدی و از مشعر الحرام گذر کردی؟

شبلی عرض کرد: بله! امام علیه السلام فرمودند: در آن دو رکعت نمازی که پیش از مرور از بین العلمین خواندی آیا متذکر این شدی که آن نماز (نمازی است که در شب دهم ذیحجه برای شکر و سپاس به درگاه خداوند خوانده می شود)موجب حل مشکلات و آسانی کارها می گردد؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آن موقعی که بین العلمین راه می رفتی و خوب مراقب بودی که به سمت یمین و یسار(راست و چپ)انحراف پیدا نکنی نیت کردی و تصمیم گرفتی که برای همیشه در مسیر دین حق ثابت قدم و مستقیم بمانی و قلب و زبان و اعضای تنت را در انحراف به یمین و یسار(راست و چپ) و افراط و تفریط نگهداری و منضبط و منظم سازی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمود: هنگام راه رفتن بر زمین مزدلفه و بر چیدن سنگریزه ها به این نیت بودی که هر گونه بذر جهل و گناه را از زمین قلبت بر می چینی و در زمینه علم و عمل ثابت می مانی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آن دم که عبورت بر مشعر الحرام افتاد آیا حالت ترس از خداوند را که شعار اهل تقوی است در دل نشاندی و همچون جامه زیرین بر قامت جان خود پوشاندی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: در این صورت نه از علمین عبور کرده ای و نه دو رکعت نماز شکر به جا آورده ای و نه بر زمین مزدلفه راه رفته ای و نه سنگریزه ها برچیده و نه از مشعر الحرام گذشته ای!

سپس فرمودند: آیا به منا رسیدی و رمی جمرات نمودی و سر تراشیدی و قربانی کشتی و در مسجد خیف نماز خواندی و بعد از آن به مکه برگشته و طواف افاضه به جا آوردی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام علیه السلام فرمودند: هنگام رسیدن به منا و رمی جمرات این توجه را داشتی که باید به نتیجه کار و غایت اعمالت رسیده باشی و اینکه خداوند تمام حوائجت را برآورده و خواسته هایت را اعطا فرموده باشد؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا موقع رمی جمرات این نیت در تو بود که با این عمل دشمن خود ابلیس را کوبیده و با پایان دادن به حج نفیست تخلف فرمان شیطان نموده ای؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: آیا هنگامی که سر می تراشیدی به این نیت بودی که از تمام پلیدیها و آفات روحی پاک گشته و از تبعات سوء ظلم و تعدی به آدمیان و یا تضعیف حقوق آنان تطهیر شده و همچون روز ولادت از مادر عاری از گناهان گردیده ای؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام علیه السلام فرمودند: در نمازی که در مسجد خیف خواندی، به درک این حقیقت رسیدی که به جز از خداوند و گناهت! از کسی نترسی و جز رحمت خداوند به چیزی امید وار نباشی؟ شبلی عرض کرد: خیر!

امام علیه السلام فرمودند: آیا موقع ذبح قربانی نیتت این بود که با تمسک به حقیقت پرهیز و ورع حنجره طمع را بریدی و از سنت ابراهیم علیه السلام پیروی نمودی که با ذبح فرزند و میوه قلب خود سنت بندگی با اخلاص و تقرب به درگاه خداوند را برای آیندگان بعد از خویش پایه گذاری نمود و معنای واقعی توحید، رضا و تسلیم را به دنیا نشان داد؟ شبلی گفت: خیر! امام علیه السلام فرمود: آیا بعد از اینکه از منا به مکه مراجعت کرده ای و به طواف بیت پرداختی متذکر این معنی بودی که اکنون با بهره کافی از رحمت خداوند به محیط اطاعت و بندگی وارد شدی و دست بر دامن حب خداوند زده ای، وظائف واجب بندگی را به پایان رسانده و در مقام قرب خداوند منزل گرفته ای؟ شبلی عرض کرد: خیر! در این موقع امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: پس بنابراین تو نه به منا رفته ای و نه رمی جمرات نموده ای، نه سر تراشیده ای و نه قربانی کشته ای... نه نماز در مسجد خیف خوانده ای و نه طواف بیت انجام داده ای! و بالاخره به مقام قرب خداوند نرسیده ای .. بر گرد؛ چه آنکه تو حج بجا نیاورده ای!

در این هنگام «شبلی» به گریه درآمد و بر غفلت و تقصیرخویش و از دست دادن آن همه فایده و آثار و اسرار گرانقدر حج، سخت گریست. و از آن پس و تا فرا رسیدن موسم حجی دیگر، به فراگیری بیشتر معارف و علوم و رموز حج پرداخت و سال بعد، با معرفتی سرشار و یقینی استوار، حج گزارد.

۱-مستدرك الوسائل: ۱۰/ ۱۶۶، باب ۱۷، حدیث ۱۱۷۷۰
